

بررسی آسیب‌های موجود در تعامل والدین با فرزندان متأهل خود

فاطمه افق‌ری^۱

فاطمه بهرامی^۲

مریم السادات فاتحی زاده^۳

تاریخ پذیرش: ۹۳/۳/۲۶

تاریخ وصول: ۹۲/۱۲/۸

چکیده

این پژوهش به منظور بررسی آسیب‌های موجود در تعامل بین والدین با فرزندان متأهل خود انجام شد. پژوهش حاضر قابل تفکیک به دو بخش می‌باشد. روش پژوهش در بخش اول، تحلیل کیفی می‌باشد که در این بخش ابتدا متون نظری و پژوهشی مرتبط با عنوان تحقیق مورد بررسی کیفی قرار گرفت، سپس با استفاده از مصاحبه نیمه ساختاریافته بر روی یک نمونه ۳۶ نفری (شامل زوجین و والدین) که به صورت هدفمند انتخاب شدند، مهم‌ترین آسیب‌های تعاملی والدین با فرزندان متأهل استخراج گردید. سپس اطلاعات حاصل از تحلیل مصاحبه‌ها و همچنین کتب و مقالات مرتبط ادغام گردیده و از آن در جهت تهیه پرسشنامه آسیب‌شناسی تعاملی استفاده شد. در بخش دوم که به روش توصیفی مقطعی انجام گردید، پرسشنامه مذکور بر روی نمونه‌ای شامل ۱۳۵ نفر از میان والدین (۸۵ زن و ۵۰ مرد) که به روش خوشه‌ای چند مرحله‌ای انتخاب شده بودند، اجرا گردید. داده‌ها با استفاده از نرم افزار SPSS و با روش محاسبه فراوانی، انحراف استاندارد، میانگین، و آزمون t مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت. نتایج پژوهش نشان می‌دهد که از منظر کیفی، آسیب‌های تعاملی والدین با فرزندان متأهل خود عبارتند از وابستگی، انتظارات نابجا، بی‌اعتنایی، دخالت و رفتارهای منفی. در بخش کمی پژوهش نتایج نشان داد که آسیب‌های وابستگی عاطفی، بی‌اعتنایی والدین، انتظارات نابجای

۱- کارشناس ارشد مشاوره خانواده، دانشکده علوم تربیتی و روانشناسی، دانشگاه اصفهان

۲- استاد گروه مشاوره، دانشکده علوم تربیتی و روانشناسی، دانشگاه اصفهان

۳- دانشیار گروه مشاوره، دانشکده علوم تربیتی و روانشناسی، دانشگاه اصفهان

والدین و دخالت، با اختصاص بیشترین میانگین‌ها به ترتیب اولویت‌های اول تا چهارم را به خود اختصاص دادند. همچنین نتایج این پژوهش حاکی از آن است که آسیب‌های تعاملی وابستگی مالی و انتظارات نابجای فرزند به طور معناداری ($p < 0/05$) در مورد فرزندان پسر بیش از فرزندان دختر است. نتایج این پژوهش در گسترش متون نظری در حوزه آسیب‌شناسی و مشاوره ازدواج و خانواده کاربرد دارد.

واژگان کلیدی: آسیب‌های تعاملی، والدین، فرزندان متأهل.

مقدمه

خانواده اصلی خانواده‌ای است که فرد در آن به دنیا آمده و یا به فرزندپذیری پذیرفته شده است (تبریزی و همکاران، ۱۳۸۵). علی‌رغم اینکه خانواده اصلی هر فرد به عنوان یکی از ارکان مهم و تأثیرگذار در ابعاد مختلف زندگی وی شناخته می‌شود، بسیاری از افراد از عمق، شدت و دامنه نفوذ خانواده اصلی بر روابط زناشویی و ازدواج خود غافل‌اند. غالباً صدمات خانواده اصلی زمانی خود را نشان می‌دهد که فرد رابطه صمیمانه خود را با دیگری شروع کند. اعمال نفوذ خانواده اصلی که به صورت مستقیم و غیرمستقیم و غالباً ناخودآگاه است، می‌تواند یکی از زیربناهای جدی تعارضات زناشویی از شروع تا پایان هر ازدواجی باشد. ثنائی (۱۳۷۸)، صفحه ۲۷ می‌نویسد: «طبق تجارب بالینی بیشترین موضوع مشاجرات زن و شوهران ایرانی را کم و کیف رابطه‌ی آنان با خویشاوندان یا خانواده اصلی آنها تشکیل می‌دهد».

طبق رویکرد چند نسلی، مثل آنچه که دو خانواده درمانگر به نام‌های کارتر و مک‌گلدریک^۱، پیشنهاد کرده‌اند، همچنان که خانواده در طول مراحل مختلف چرخه زندگی خانوادگی به پیش می‌رود، نسل‌های مختلف خانواده بر روی یکدیگر تأثیری پایا و متقابل بر جای می‌گذارند؛ در هر مرحله‌ای که خانواده در حال گذر از آن است، تبادل‌های به هم آمیخته‌ای به طور همزمان بین نسل‌ها جریان دارد. هر نسل بر نسل دیگر تأثیر گذاشته و از آن

1. Carter & Mc Goldrick

متأثر می‌گردد (برونلین^۱)، به نقل از گلدنبرگ و گلدنبرگ، ترجمه حسین شاهی و همکاران، (۱۳۸۹).

خانواده به عنوان یک نظام تحولی، باید با تکالیف تحولی یا الگوهای مشکل آفرینی که لازم است در هر مرحله بر آنها غلبه کرد، مواجه شود (استریت، ترجمه تبریزی و علوی نیا، ۱۳۸۹). یکی از مهم‌ترین مراحل انتقالی در زندگی خانوادگی، ازدواج است. ازدواج به جای آنکه صرفاً پیوند دو نفر با یکدیگر باشد، معرف دگرگونی در دو نظام جا افتاده‌ی خانوادگی و تکوین یک خرده نظام در داخل هر یک از آنهاست (گلدنبرگ و گلدنبرگ، ترجمه حسین شاهی و همکاران، ۱۳۸۹).

یکی از موارد مؤثر در بروز آسیب‌های تعاملی مرتبط با خانواده اصلی در دوران پس از ازدواج، مسأله عدم تمایز یافتگی می‌باشد که نشان دهنده شکست در انجام تکالیف تحولی در این مرحله از زندگی است. تمایز یافتگی^۲ یعنی میزان فردیتی که یک شخص در مقابل دیگران دارد، فرد تمایز یافته رفتارش را بر مبنای رفتار دیگری تنظیم نمی‌کند، بلکه دارای استقلال رفتاری است (تبریزی و همکاران، ۱۳۸۵).

در مرحله پیوستن خانواده‌ها از طریق ازدواج، تکلیف اولیه، تعهد به زوج جدید است. شکل‌گیری یک شراکت صمیمی مستلزم آن است که همسران دلبستگی هیجانی اولیه خود را از والدین و دوستانشان به رابطه با همسرشان منتقل کنند (نیکولز و شوارتز، ترجمه دهقانی و همکاران، ۱۳۸۷). در واقع دو تکلیفی که برای ازدواج در نظر گرفته شده است عبارتند از: (۱) پایان دادن به وابستگی‌های اولیه به والدین، و (۲) جهت‌دهی مجدد نیروهای فردی از خانواده اصلی به ازدواج (هاروی، ترجمه خدابخش احمدی و همکاران، ۱۳۸۸).

بعضی اوقات برای خانواده‌ها دشوار است که زوج جدید را به جای اشخاصی که با آنها پیوند ژنتیکی یا انتخابی دارند، به عنوان یک واحد مجزا در نظر بگیرند؛ والدین ممکن است به

1. Breunlin

2. Differentiation

مزاحمی [همسر فرزندشان] که اکنون در مقایسه با آنان تأثیر بیشتری دارد حسادت کنند، در حالی که زوجین معتقدند که والدین در کار آنها دخالت می‌کنند (یانگ و لانگ، ۲۰۰۷).

وظیفه‌ی اصلی زوجین در این مرحله، تعدیل نگرش نسبت به ازدواج است؛ هر یک از همسران تعلق نسبت به خانواده اصلی را بپذیرد و به دنبال قطع یا کم رنگ کردن این تعلقات نباشد؛ در عین حال، خانواده‌های اصلی نیز باید نیازهای فرزند خود را درک کرده و زمینه استقلال عاطفی فرزند خود را فراهم کنند (سالاری فر، ۱۳۸۴). مشکلات مربوط به خویشاوندان در رابطه با اقوام و منسوبینی ایجاد می‌شود که به انحاء مختلف در زندگی خانواده نقش داشته و دخالت می‌کنند. اقوام درجه یک معمولاً نقش بیشتری را خواهند داشت (حسینی، ۱۳۹۰).

در همین راستا، پژوهش علیکی و نظری (۱۳۸۷) نشان داد که بین تمایز یافتگی و خرده مقیاس‌های آن (واکنش‌پذیری عاطفی، گریز عاطفی، جایگاه من و هم آمیختگی با دیگران) با رضایت زناشویی رابطه معناداری وجود دارد. در این پژوهش که در آن از پرسشنامه‌های تمایز یافتگی و رضایت زناشویی انریچ استفاده شده است، نشان داده شده که بین خرده مقیاس‌های واکنش‌پذیری، گریز عاطفی، و هم آمیختگی، با رضایت زناشویی رابطه منفی معنادار و بین خرده مقیاس جایگاه من و رضایت زناشویی رابطه مثبت معنادار وجود دارد.

پژوهش نجفلویی (۱۳۸۵) نشان داد که بین تمایز یافتگی و رضایت زناشویی ارتباط وجود دارد و از میان خرده آزمون‌های تمایز خود، واکنش عاطفی بیشترین رابطه را با تعارض‌های زناشویی دارد.

پژوهش برتونی و بودنمن (۲۰۰۹) نشان داد که زوجین راضی روابط بهتری با خانواده اصلی داشتند.

پژوهش مارتینسون (۲۰۰۵) نشان داد که افرادی که تجارب سالم‌تری از خانواده اصلی داشتند و در خانواده اصلی خود با مشکلات مواجه شده بودند، نسبت به افرادی که تجارب سالم کمتری در خانواده اصلی داشتند، کیفیت ارتباطی/ زناشویی بالاتری داشتند. مردان در

این مطالعه بیش از زنان با مشکلات در خانواده اصلی مواجه شده بودند، در حالی که زنان معتقد بودند هنوز چیزهایی از خانواده اصلی هست که با آن دست و پنجه نرم می‌کنند. پژوهش هاوس و مالینکروود (۱۹۹۸) نشان داد که با افزایش سطح تمایز یافتگی و استقلال از خانواده اصلی رضایت زناشویی بالاتر می‌رود و دیگر آنکه وابستگی شوهر به والدینش بیشتر از وابستگی زن به والدینش موجب ناسازگاری و اختلاف زناشویی می‌شود. طبق نتایج این پژوهش، بالاترین سطح سازگاری و رضایت زناشویی مربوط به ازدواج‌هایی است که شوهران آزادی بیشتر از احساس گناه، اضطراب، سوء ظن، مسئولیت پذیری، بازداری، رنجش و خشم در ارتباط با مادرانشان و توانایی مدیریت مسائل فردی و عملی بدون کمک پدرانشان را تجربه می‌کنند.

پژوهش لارسون و همکاران (۱۹۹۸) نشان داد که پویایی‌های خانوادگی، اصلی - در هم تنیدگی، مثلث سازی و کنترل - می‌تواند تأثیر منفی بر نگرش‌ها و احساسات جوانان در مورد ازدواج آینده شان و درک آنها از آمادگی برای یک رابطه مهم و صمیمانه مثل ازدواج داشته باشد.

برخی از پژوهش‌ها نیز به تأثیر خانواده اصلی در بروز تعارضات زناشویی و طلاق پرداخته‌اند؛ از آن جمله نتایج پژوهش زرگر و نشاط دوست (۱۳۸۶) نشان داد که یکی از مهم ترین علل تقاضای طلاق (سومین عامل)، دخالت خانواده‌ها بوده است. نتایج پژوهش دیگری از قطبی و همکاران (۱۳۸۲) در خصوص بررسی عوامل مؤثر در بروز طلاق نشان داد که پس از عدم تفاهم اخلاقی با ۸۳٪ و اعتیاد با ۴۲٪ میزان تأثیر، دخالت خانواده‌ها با تأثیر ۳۳٪ سومین عامل مهم در بروز طلاق می‌باشد. نتایج پژوهش‌های بنی جمال و همکاران (۱۳۸۳)، و ریاحی و همکاران (۱۳۸۶) نیز گویای تأثیر دخالت اطرافیان و وابستگی مالی زوجین در میزان گرایش به طلاق می‌باشد.

بنابراین پس از ازدواج تغییرات عمده در زندگی زوجین و خانواده‌های آنان اتفاق می‌افتد که برخی از آنها شامل عدم تمایز یافتگی فرزندان، وابستگی‌ها، عدم مرزسازی صحیح و در

نتیجه عدم تعهد والدین به رابطه زناشویی فرزندان، دخالت و انتظارات نابجای هر یک از طرفین می باشد.

از آنجا که آسیب‌های ارتباطی می‌تواند اساس بسیاری از مشکلات خانواده‌ها باشد و با توجه به اینکه تاکنون پژوهش سازمان یافته‌ای در خصوص این نوع از آسیب‌ها در این مرحله از حیات تکاملی خانواده انجام نشده است، پژوهش حاضر درصدد است تا آن بخش از آسیب‌هایی را که در تعامل والدین و فرزندان متأهل ایشان ایجاد می‌شود شناسایی کرده و ضمن توجه به زیربنای نظری موجود در این زمینه، با بررسی آسیب‌ها در نمونه‌ای برگرفته شده از یک جامعه ایرانی چشم انداز روشن‌تری را از مشکلات خانواده در مرحله ازدواج فرزندان در اختیار متخصصان این حوزه قرار دهد.

روش

روند کار در مرحله ابتدایی از شیوه تحلیل کیفی تبعیت می‌کند. در این مرحله، هدف فراهم آوردن شرح غنی از نوع و کیفیت آسیب‌های تعاملی زوجین و والدینشان و کشف سازه‌هایی برای نظم بخشیدن به داده‌های توصیفی و پیوند دادن آنها با یافته‌های مرتبط در پژوهش‌های پیشین و نظریات موجود است که با استفاده از مطالعات نظری و بررسی منابع موجود میسر خواهد شد. سپس با توجه به یافته‌های کیفی از مرحله قبل، یک مصاحبه نیمه ساختار یافته با سؤالات بازپاسخ تهیه و اجرا شد. هدف اصلی مصاحبه کشف آسیب‌های تعاملی از دید والدین بود. در پایان بخش اول پژوهش، اطلاعات حاصل از تحلیل منابع مکتوب و همچنین نتایج مصاحبه ادغام، و با توجه به مباحث نظری و پیشینه پژوهش طبقه‌بندی شده و مهمترین آسیب‌های تعاملی والدین با فرزندان متأهلشان برای تهیه پرسشنامه استخراج گردید.

مرحله بعدی پژوهش روند توصیفی مقطعی را دنبال خواهد کرد. در این مرحله، پرسشنامه مذکور طراحی گردید. فرم ابتدایی پرسشنامه به منظور تعیین روایی صوری در اختیار ۵ نفر از اساتید و متخصصان خانواده قرار گرفت و پس از تأیید، پرسشنامه برای تعیین ضریب پایایی، به

صورت مقدماتی بر روی ۳۰ نفر اجرا گردید. بررسی پایایی پرسشنامه از طریق محاسبه ضریب آلفای کرونباخ انجام شد. در پایان، پرسشنامه مذکور به منظور بررسی مؤلفه‌های آماری آسیب‌ها بر روی نمونه نهایی، اجرا گردید.

الف) جامعه آماری

در بخش ابتدایی که هدف آن بررسی کیفی متون و منابع موجود بود، جامعه آماری شامل کتب و مجلات علمی بود که مربوط به حوزه پژوهش بوده و به طور خاص عبارت بود از: کتب داخلی در حوزه خانواده و زوج درمانی منتشر شده در بین سالهای ۹۰-۱۳۷۵، و مجلات معتبر علمی پژوهشی که در کتابخانه‌های دانشگاه اصفهان و پایگاه‌های اینترنتی فارسی از جمله SID، Magiran، و IRANDOC قابل دسترسی بودند؛ و کتب خارجی در حوزه خانواده و زوج درمانی موجود در کتابخانه‌های دانشگاه اصفهان و مجلات مرتبط قابل دسترسی در کتابخانه و پایگاه‌هایی از جمله ISI، Google Scholar، و Proquest منتشر شده در بین سال‌های ۲۰۱۱-۱۹۹۵.

در بخش مربوط به انجام مصاحبه و اجرای پرسشنامه‌ها، جامعه آماری این پژوهش شامل والدین (افرادی که حداقل یک فرزند متأهل داشته باشند) در شهر اصفهان، در سال ۹۱-۹۰ بود.

ب) نمونه و روش نمونه‌گیری

در بخش تحلیل کیفی متون، نمونه پژوهش از میان منابع در دسترس شامل کتب و مجلات ذکر شده در بخش قبل می‌باشد که با کلید واژه‌های خانواده، خانواده اصلی، آسیب‌شناسی تعاملی (در بخش فارسی)، و کلید واژه‌های Family Of Origin، و interactional pathology (در بخش خارجی) قابل دستیابی هستند.

در بخش بعدی، یک نمونه ۳۶ نفره شامل زوجین و والدین با روش هدفمند برای اجرای مصاحبه و کشف آسیب‌ها انتخاب گردید. پاتون (۶) معتقد است که شیوه ایده آل نمونه‌گیری

در پژوهش کیفی این است که تا زمان رسیدن به مورد زائد (موردی که پس از آن اطلاعات جدیدی به دست نمی آید)، به انتخاب موارد ادامه دهیم (گال و همکاران، ترجمه احمدرضا نصر و همکاران، ۱۳۸۹). سپس برای اجرای مقدماتی پرسشنامه نمونه‌ای متشکل از ۳۰ نفر از میان والدین به صورت در دسترس انتخاب گردید. برای تحقیقات پیمایشی، تعداد نمونه برای هر یک از زیرگروه‌های اصلی - که پاسخ آنها مورد تجزیه و تحلیل قرار می‌گیرد، ۱۰۰ نفر و برای زیرگروه‌های فرعی ۲۰ تا ۵۰ نفر پیشنهاد شده است (گال و همکاران، ترجمه احمد رضا نصر و همکاران، ۱۳۸۹). لذا در مرحله نهایی، نمونه‌ای متشکل از ۱۳۵ نفر، شامل ۸۵ زن و ۵۰ مرد؛ برای تکمیل پرسشنامه‌ها به صورت خوشه‌ای چندمرحله‌ای با استفاده از مناطق شهرداری انتخاب شد، به این صورت که شهر اصفهان به ۵ منطقه شمال، جنوب، شرق، غرب، و مرکز تقسیم شده و سپس از هر منطقه یک مرکز فرهنگی - تفریحی وابسته به شهرداری به صورت تصادفی انتخاب و پرسشنامه‌ها در آن مکان توزیع گردید.

ج) ابزار پژوهش

۱. در بخش اول، ابزار گردآوری داده‌ها شامل مصاحبه نیمه ساختار یافته است. مصاحبه نیمه ساختار یافته متشکل از یک سری سؤالات منسجم است که برای به دست آوردن اطلاعات بیشتر و موشکافی عمیق تر موضوع مورد مصاحبه، از سؤالات بازپاسخ نیز استفاده می‌شود؛ اطلاعات حاصل از این نوع مصاحبه نسبت به روش‌های سازمان یافته، عمق بیشتری دارد (گال و همکاران، ترجمه احمدرضا نصر و همکاران، ۱۳۸۹). در هر مصاحبه از تعداد ۱۱ سؤال بازپاسخ استفاده شد. محوریت اصلی سؤالات کشف آسیب‌ها و مشکلات ارتباطی و همچنین شیوه‌های غلط مقابله با این مشکلات بود.

۲. در بخش بعدی، ابزار پژوهش پرسشنامه آسیب‌شناسی تعامل والدین و فرزندان متأهل می‌باشد. پرسشنامه مذکور یک ابزار خود گزارشی است که به منظور بررسی آسیب‌های تعاملی از دیدگاه والدین طراحی و اجرا گردید. بعد از اجرای مقدماتی، به منظور افزایش ضریب

پایایی آزمون، تعداد ۲ سؤال از فرم ابتدایی حذف گردید؛ فرم نهایی پرسشنامه مخصوص زوجین دارای ۵۰ سؤال و ۸ خرده مقیاس می‌باشد. در هر خرده مقیاس حداقل ۵ و حداکثر ۱۱ سؤال وجود دارد. نمره گذاری این پرسشنامه براساس طیف لیکرت ۵ رتبه‌ای ۱ (کاملاً مخالفم)، ۲ (مخالفم)، ۳ (نظری ندارم)، ۴ (موافقم)، و ۵ (کاملاً موافقم) می‌باشد. بدین ترتیب حداقل و حداکثر نمره به ترتیب ۵۰ و ۲۵۰ است. روایی صوری پرسشنامه بوسیله ۵ نفر از متخصصان خانواده تأیید شد. پایایی هر پرسشنامه از طریق اجرای آن روی نمونه‌ی ۳۰ نفری و با محاسبه ضریب آلفای کرونباخ تأیید گردید. نتایج ضریب پایایی در پرسشنامه مخصوص زوجین به شرح زیر می‌باشد.

آلفای کرونباخ برای کل پرسشنامه برابر با ۰/۹۵ می‌باشد و برای خرده مقیاس‌ها از این قرار است: وابستگی عاطفی، ۰/۷۱؛ وابستگی مالی، ۰/۸۶؛ انتظارات نابجای فرزند از والدین، ۰/۷۵؛ انتظارات نابجای والدین از فرزند، ۰/۷۴؛ بی‌اعتنایی والدین نسبت به فرزند، ۰/۸۳؛ بی‌اعتنایی فرزند نسبت به والدین، ۰/۹۰؛ دخالت والدین، ۰/۷۸؛ و رفتارهای منفی فرزند، ۰/۹۳.

د) روش تجزیه و تحلیل داده‌ها

در بخش اول برای تحلیل داده‌ها، از تحلیل کیفی استفاده شد که شامل تلفیق کلیه داده‌ها، سپس تدوین طبقات یا حیطه‌هایی که اطلاعات را به طور مناسبی در برگیرد، نشانه گذاری و گروه بندی طبقات یا مقوله‌ها و سپس استخراج نتایج بود.

در بخش بعدی برای تحلیل یافته‌های پژوهش با استفاده از نرم افزار SPSS 18، در بخش توصیفی از روش‌های آمار توصیفی شامل شاخص‌های مرکزی همچون میانگین و شاخص‌های پراکندگی شامل واریانس و انحراف معیار، و در بخش استنباطی از محاسبه همبستگی و آزمون t با دو نمونه مستقل استفاده شد.

یافته‌ها

سؤال اول: از نقطه نظر کیفی، چه آسیب‌هایی در تعامل والدین با فرزندان متأهل خود وجود دارد؟

نتایج مصاحبه در خصوص آسیب‌ها و مشکلات رابطه والدین با فرزندان متأهلشان، شامل ۲۲ مقوله فرعی می‌باشد و این مقوله‌ها را می‌توان در ۵ مقوله اصلی قرار داد. جدول ۱ طبقه بندی مقولات فرعی و اصلی را نشان می‌دهد.

جدول ۱. طبقه بندی کیفی آسیب‌ها در قالب مقولات فرعی و اصلی

مقولات اصلی	مقولات فرعی	ابراز آسیب توسط مصاحبه شوندگان به تفکیک جنسیت فرزند	
		پسران	دختران
	۱- شراکت و عدم استقلال مالی	✓	
وابستگی	۲- وابستگی عاطفی	✓	✓
	۳- عدم استقلال در حل مشکلات	✓	
	۴- اختلاف سلیقه و عدم درک متقابل	✓	✓
انتظارات و توقعات	۵- انتظارات در خصوص کمیت و کیفیت روابط	✓	✓
	۶- انتظارات در خصوص حمایت	✓	✓
	۷- تجمل گرایی و توقعات مالی		✓
	۸- ابراز نارضایتی	✓	✓
دخالت	۹- انتقاد از نحوه مدیریت زندگی	✓	✓
	۱۰- مداخله در حل مشکلات		✓
	۱۱- اعمال سلیقه	✓	✓
بی‌اعتنایی	۱۲- بی‌توجهی و بی‌اعتنایی	✓	✓
	۱۳- قهر و قطع رابطه	✓	
	۱۴- توهین و بی‌احترامی	✓	
	۱۵- تحقیر	✓	

۴۵ _____ بررسی آسیب‌های موجود در تعامل والدین با ...

۱۶- سرزنش	✓	
۱۷- مقایسه رفتارهای منفی و آزارنده	✓	✓
۱۸- طعنه و کنایه	✓	✓
۱۹- بدگویی نزد همسر	✓	
۲۰- بدبینی	✓	✓
۲۱- لجاجت	✓	✓
۲۲- دروغ‌گویی و مخفی‌کاری	✓	✓

سؤال دوم: از نقطه نظر کمی، شیوع آسیب‌های تعاملی والدین با فرزندان متأهل خود چگونه است؟

در این بخش، برای بررسی شیوع آسیب‌ها، نمرات افراد نمونه براساس میزان انحراف استاندارد به سه بخش تقسیم و فراوانی هر بخش محاسبه شده است. درصد فراوانی هر بخش مطابق با شیوع نمرات در آن بخش می‌باشد. نتایج در جدول ۲ آمده است.

جدول ۲. فراوانی نمرات بر حسب انحراف استاندارد

آسیب‌ها	$x < +1s$	$+1s \leq x \leq +2s$	$x > +2s$
وابستگی عاطفی	۱۰۹	۱۴	۵
فراوانی	۸۵/۱۵	۱۰/۹۳	۳/۹۰
درصد			
وابستگی مالی	۱۰۸	۱۲	۱۰
فراوانی	۸۳/۰۷	۹/۲۳	۷/۶۹
درصد			
انتظارات نابجای فرزند	۱۱۰	۱۷	۵
فراوانی	۸۳/۳۳	۱۲/۸۷	۳/۷۸
درصد			
انتظارات نابجای والدین	۱۱۱	۲۱	۲
فراوانی	۸۲/۸۳	۱۵/۶۷	۱/۴۹
درصد			
بی‌اعتنایی والدین	۱۱۱	۱۸	۳
فراوانی	۸۴/۰۹	۱۳/۶۳	۲/۲۷
درصد			
بی‌اعتنایی فرزند	۱۱۱	۱۵	۶
فراوانی	۸۴/۰۹	۱۱/۳۶	۴/۵۴
درصد			

فرهنگ مشاوره و روان درمانی

۳	۲۵	۱۰۱	فراوانی	دخالت
%۲/۳۲	%۱۹/۳۷	%۷۸/۲۹	درصد	
۶	۱۳	۱۱۶	فراوانی	رفتارهای منفی و آزارنده‌ی فرزند
%۴/۴۴	%۹/۶۲	%۸۵/۹۲	درصد	
۲	۱۷	۹۶	فراوانی	آسیب کل
%۱/۷۳	%۱۴/۷۸	%۸۳/۴۷	درصد	

سؤال سوم: اولویت بندی شدت آسیب‌های تعاملی والدین با فرزندان متأهل خود چگونه

است؟

برای بررسی اولویت آسیب‌ها، از محاسبه میانگین استفاده شد. نتایج در جدول ۳ آمده

است.

جدول ۳. اولویت بندی آسیب‌های تعاملی والدین با فرزندان متأهل خود بر اساس میانگین، به

تفکیک جنسیت فرزند

اولویت بندی کلی آسیب‌ها		اولویت بندی آسیب‌ها در مورد فرزند		اولویت بندی آسیب‌ها در مورد فرزند	
اولویت	آسیب	میانگین	اولویت	آسیب	میانگین
۱	وابستگی عاطفی	۲۲/۰۹	۱	وابستگی عاطفی	۲۲/۴۲
۲	بی‌اعتنایی والدین	۱۵/۸۷	۲	بی‌اعتنایی والدین	۱۴/۸۹
۳	انتظارات نابجای والدین	۱۴/۸۹	۳	انتظارات نابجای والدین	۱۴/۰۸
۴	دخالت	۱۲/۴۴	۴	دخالت	۱۱/۶۷
۵	انتظارات نابجای فرزند	۱۲/۴۲	۵	انتظارات نابجای فرزند	۱۱/۱۶
۶	وابستگی مالی	۱۱/۸۶	۶	وابستگی مالی	۱۰/۸۳

فرزند							
۱۱/۶۸	بی‌اعتنایی	۷	۱۰/۱۵	وابستگی مالی	۷	۱۱/۳۰	بی‌اعتنایی
	فرزند						فرزند
۹/۰۶	رفتارهای منفی و آزارنده فرزند	۸	۸/۵۷	رفتارهای منفی و آزارنده فرزند	۸	۸/۸۴	رفتارهای منفی و آزارنده فرزند

همانطور که مشاهده می‌شود، اولویت بندی در کل نمونه، زنان، و مردان تفاوتی ندارد و در مجموع، وابستگی عاطفی با میانگین کل ۲۱/۲۱، در اولویت نخست، و رفتارهای منفی و آزارنده والدین با میانگین کل ۹/۴۷، در اولویت آخر قرار دارند.

سؤال چهارم: میزان تفاوت آسیب‌های تعاملی والدین با فرزندان متأهل دختر و پسر خود چقدر است؟

در این بخش برای بررسی تفاوت بین زنان و مردان در خصوص آسیب‌های تعاملی با خانواده اصلی از آزمون t با دو نمونه مستقل استفاده شد. نتایج این آزمون در جدول ۴ آمده است.

جدول ۴. آزمون t جهت بررسی تفاوت آسیب های والدین و فرزندان متأهل دختر و پسر

	آزمون لوین		آزمون t				فاصله اطمینان ۹۵٪		
	F	معناداری	t	درجه آزادی	معناداری	تفاوت میانگین ها	خطای معیار	کران بالا	کران پایین
وابستگی	۳/۲۴۸	۰/۰۷۴	-۰/۵۵۷	۱۲۶	۰/۵۷۹	-۰/۷۰۸۴۳	۱/۲۷۱۹۰	-۳/۲۲۵۴۹	۱/۸۰۸۶۳
عاطفی			-۰/۵۶۳	۱۲۵/۹۸۷	۰/۵۷۴	-۰/۷۰۸۴۳	۱/۲۵۷۳۳	-۳/۱۹۶۶۴	۱/۷۷۹۷۹
وابستگی	۱۱/۸۸۵	۰/۰۰۱	-۳/۳۷۴	۱۲۸	۰/۰۰۱	-۳/۱۴۳۲۳	۰/۹۳۱۷۰	-۴/۹۸۶۷۷	-۱/۲۹۹۷۰
مالی			-۳/۴۸۰	۱۲۴/۹۹۳	۰/۰۰۱	-۳/۱۴۳۲۳	۰/۹۰۳۳۰	-۴/۹۳۰۹۷	-۱/۳۵۵۵۰
انتظارات	۳/۸۹۹	۰/۰۵۰	-۳/۰۰۴	۱۳۰	۰/۰۰۳	-۲/۳۰۵۵۶	۰/۷۶۷۵۲	-۳/۸۲۴۰۰	-۰/۷۸۷۱۱
نابجای			-۳/۰۶۶	۱۲۹/۷۴۷	۰/۰۰۳	-۲/۳۰۵۵۶	۰/۷۵۱۹۰	-۳/۷۹۳۱۳	-۰/۸۱۷۹۸
فرزند									
انتظارات	۰/۰۹۷	۰/۷۵۷	-۱/۷۵۹	۱۳۲	۰/۰۸۱	-۱/۴۷۰۷۲	۰/۸۳۶۰۱	-۳/۱۲۴۴۳	۰/۱۸۲۹۹
نابجای			-۱/۷۴۹	۱۲۳/۳۲۳	۰/۰۸۳	-۱/۴۷۰۷۲	۰/۸۴۰۷۹	-۳/۱۳۴۹۷	۰/۱۹۳۵۲
والدین									
بی اعتنایی	۰/۳۱۶	۰/۵۷۵	-۱/۶۳۷	۱۳۰	۰/۱۰۴	-۱/۷۷۲۹۳	۱/۰۸۳۲۶	-۳/۹۱۶۰۳	۰/۳۷۰۱۸
والدین			-۱/۶۵۴	۱۲۸/۱۹۳	۰/۱۰۱	-۱/۷۷۲۹۳	۱/۰۷۲۲۲	-۳/۸۹۴۴۷	۰/۳۴۸۶۲
بی اعتنایی	۰/۲۸۳	۰/۵۹۶	-۱/۱۱۷	۱۳۰	۰/۲۶۶	-۰/۸۵۴۴۲	۰/۷۶۴۶۴	-۲/۳۶۷۱۸	۰/۶۵۸۳۳
فرزند			-۱/۱۳۲	۱۲۸/۸۳۷	۰/۲۶۰	-۰/۸۵۴۴۲	۰/۷۵۴۹۷	-۲/۳۴۸۱۶	۰/۶۳۹۳۲
دخالت	۰/۸۵۴	۰/۳۵۷	-۱/۷۶۹	۱۲۷	۰/۰۷۹	-۱/۴۱۲۰۹	۰/۷۹۸۰۹	-۲/۹۹۱۳۶	۰/۱۶۷۱۸
			-۱/۸۸۳	۱۲۴/۹۴۹	۰/۰۷۷	-۱/۴۱۲۰۹	۰/۷۹۱۹۶	-۲/۹۷۹۴۹	۰/۱۵۵۳۰
رفتارهای	۴/۷۸۱	۰/۰۳۱	-۰/۶۴۳	۱۳۳	۰/۵۲۱	-۰/۴۹۳۸۰	۰/۷۶۸۰۸	-۲/۰۱۳۰۳	۱/۰۲۵۴۴
منفی و			-۰/۶۶۵	۱۲۹/۳۴۱	۰/۵۰۷	-۰/۴۹۳۸۰	۰/۷۴۲۲۶	-۱/۹۶۲۳۴	۰/۹۷۴۷۴
آزارنده‌ی									
فرزند									
آسیب کل	۲/۴۷۶	۰/۱۱۸	-۱/۴۳۵	۱۱۳	۰/۱۵۴	-۸/۲۲۸۲۵	۵/۷۳۴۹۰	-۱۹/۵۹۰۱۱	۳/۱۳۳۶۲
			-۱/۴۷۲	۱۱۳/۰۰۰	۰/۱۶۴	-۸/۲۲۸۲۵	۵/۵۹۰۰۱	-۱۹/۳۰۳۰۷	۲/۸۴۶۵۷

مطابق با جدول ۴، نتایج آزمون لوین نشان می‌دهد که در خرده مقیاس‌های وابستگی مالی، انتظارات نابجای فرزند، و رفتارهای منفی و آزارنده فرزند، واریانس‌های دو گروه نابرابرند. از آنجا که برابری واریانس‌ها پیش فرض آزمون t می‌باشد، به منظور بررسی لزوم رعایت پیش

فرض‌ها، از آزمون یومان ویتنی استفاده شد. اگر در آزمون t مستقل فرض صفر رد شود، یعنی سطح احتمال کمتر از ۰/۰۵ گردد ولی در آزمون یومان ویتنی رد نشود، معلوم می‌شود رعایت پیش فرض‌ها در آزمون t لازم بوده است. اما اگر در هر دو مورد فرض صفر رد شود، رعایت پیش فرض‌ها لازم نبوده است (مولوی، ۱۳۸۶).

با توجه به نتایج آزمون یومان ویتنی (جدول ۵)، در مورد وابستگی مالی و انتظارات نابه جای فرزند سطح معنی داری کمتر از ۰/۰۵ است یعنی فرض صفر رد می‌شود که به معنی تفاوت میانگین در دو گروه است. و در مورد رفتارهای منفی و آزارنده فرزند نیز سطح معنی داری از ۰/۰۵ بیشتر می‌باشد و به معنی عدم تفاوت در میانگین‌های دو گروه می‌باشد. این نتایج با نتایج آزمون t نیز همسوست. بنابراین، به جز خرده مقیاس‌های وابستگی مالی و انتظارات نابجای فرزند، با اطمینان ۹۵٪ بین گروه فرزندان دختر و پسر تفاوت معناداری وجود ندارد؛ و وابستگی مالی و انتظارات نابجای فرزند در فرزندان پسر بیشتر از فرزندان دختر است.

جدول ۵. آزمون یومان ویتنی جهت بررسی تفاوت سه خرده مقیاس بین فرزندان دختر و پسر

	Mann-Whitney U	Z	Sig (2-tailed)
وابستگی مالی	۱۴۴۵/۰۰۰	-۳/۰۵۴	۰/۰۰۲
انتظارات نابجای فرزند	۱۴۴۲/۵۰۰	-۲/۸۳۱	۰/۰۰۵
رفتارهای منفی و آزاردهنده‌ی فرزند	۲۲۰۷/۰۰۰	۰/۲۲۷	۰/۸۲۱

بحث و نتیجه گیری

خانواده اصلی هر فرد جایگاه تولد و رشد او و مأمّن وی در لحظات حساس و سرنوشت ساز زندگی است. همه افراد اولین روابط را با خانواده اصلی و به طور خاص با والدین خود برقرار می‌کنند. رابطه با خانواده اصلی همواره یک ضرورت اجتناب ناپذیر و در عین حال مطلوب همه انسان‌هاست.

ارتباطات خویشاوندی و نسلی تولیدکننده ارزش‌های اجتماعی هستند (سازمان ملی جوانان، ۱۳۸۷)، در هویت بخشیدن به افراد نقش مؤثری را ایفا می‌کنند (ریبیز مک کارتی و ادواردز، ترجمه لیبی، ۱۳۹۰)، از ویژگی‌های خانواده بالنده بوده (ستیر، ترجمه بیرشک، ۱۳۷۰)، کارکرد حمایتی و کنترل‌کننده خانواده را تسهیل و نقش مؤثری در ثبات و استحکام آن ایفا می‌کنند (بستان، ۱۳۸۳)، و بدین وسیله می‌توانند در کاهش آمار طلاق مؤثر واقع شوند (فاتحی زاده و همکاران، ۱۳۸۴). این روابط همچنین به واسطه نقش شفا دهندگی خانواده (ناتان آکرمن، به نقل از ایمانی، ۱۳۸۸) به سلامت روانی افراد کمک می‌کنند و باعث حفظ بهداشت روانی، تنوع در زندگی، سبک باری، امنیت خاطر، ایجاد تعادل در زندگی، رشد اجتماعی و برخورداری از حمایت‌های مکرر می‌شوند (ایمانی، ۱۳۸۸).

در فرهنگ ایرانی برقراری روابط خانوادگی در قالب آیین‌ها و مراسم خاص میسر می‌شود و این روابط باعث رفع اختلافات و مشکلات می‌گردد (حسینی، ۱۳۹۰)؛ در دین اسلام نیز پیوند خویشاوندی از بالاترین مراتب رفتارهای دینی بعد از ایمان به خدا محسوب می‌شود و از مزایای آن می‌توان به طولانی شدن عمر، جلوگیری از بروز بلاها، سلامتی، رفع فقر، اصلاح رفتارها، و ایجاد آرامش و نشاط اشاره کرد (سالاری فر، ۱۳۸۴).

ارتباط با خانواده اصلی و نقش و تأثیرات آن در دوران بعد از ازدواج نیز ادامه می‌یابد و می‌تواند به طور مستقیم یا غیر مستقیم زندگی فرد را تحت تأثیر قرار دهد. در این خصوص پژوهش‌های بسیاری به بررسی تأثیرات خانواده اصلی در زندگی زناشویی فرد پرداخته‌اند، و اکثریت قریب به اتفاق آنها به عوامل مرتبط با خانواده اصلی که از دوران قبل از ازدواج شکل می‌گیرد، اشاره کرده‌اند؛ نتایج این پژوهش‌ها نشان می‌دهد که تعارضات و الگوهای ارتباطی در زندگی زناشویی مشابه با تعارضات و الگوهای ارتباطی در خانواده اصلی هستند، و تجارب خانواده اصلی و عوامل مرتبط با آن می‌تواند زندگی زناشویی افراد را تحت تأثیر قرار دهد. برای مثال پژوهش‌های حسینیان و همکاران (۱۳۸۷)، رسولی و همکاران (۱۳۸۷)، حسینی و ثنایی (۱۳۸۴)، ویتون و همکاران (۲۰۰۸)، استوری و همکاران (۲۰۰۴)، وانگ و همکاران

(۲۰۰۳)، آماتو و بوث (۲۰۰۱)، و اسمیت (۱۹۹۹) به بررسی تشابه سبک تعارضات و یا الگوهای ارتباطی زوجین با تعارضات و الگوهای ارتباطی والدین خود پرداخته‌اند.

برخی دیگر از پژوهش‌ها از جمله پژوهش حسینیان و همکاران (۱۳۸۶)، مارتینسون (۲۰۰۵)، سباتلی و هرینگ (۲۰۰۳)، هال (۲۰۰۳)، فلوری و بوچانان (۲۰۰۲)، آندروس و همکاران (۲۰۰۰)، کانگر و همکاران (۲۰۰۰)، هافباروا (۱۹۹۹)، و لوی و همکاران (۱۹۹۷) به بررسی تأثیر سلامت خانواده اصلی یا تجارب افراد در خانواده اصلی بر سازگاری و کیفیت رابطه زناشویی فرزندان پرداخته‌اند. همچنین پژوهش‌هایی به بررسی رابطه بین امنیت سبک‌های دل‌بستگی با رضایت زناشویی پرداخته‌اند که از آن جمله می‌توان به پژوهش‌های عیدی و خانجانی (۱۳۸۵)، دینرو و همکاران (۲۰۰۸)، و شارف و بارتولومی (۱۹۹۵) اشاره کرد.

واقعیت این است که علی‌رغم همه مزایا و ضرورت‌هایی که برای ارتباطات خویشاوندی و نسلی وجود دارد، این رابطه هم مانند دیگر مناسبات انسانی، مصون از آسیب‌ها و چالش‌های احتمالی نخواهد بود. در این زمینه تعداد قابل توجهی از پژوهش‌ها تحت عناوین مؤثر در بروز طلاق یا گرایش به آن، به برخی آسیب‌های موجود در روابط بین والدین با فرزندان متأهل خود پرداخته‌اند که از جمله می‌توان به پژوهش‌های زارعی (۱۳۹۱)، یوسفی (۱۳۸۹)، زرگر و نشاط دوست (۱۳۸۶)، ریاحی و همکاران (۱۳۸۶)، بنی‌جمالی و همکاران (۱۳۸۳)، و قطبی و همکاران (۱۳۸۲) اشاره کرد.

در این میان جای پژوهش‌های سازمان‌یافته و معتبر در خصوص آسیب‌های ارتباطی زوجین با خانواده‌های اصلی خود بسیار خالی است؛ و در پژوهش‌های مختلف به طور تلویحی به برخی از عوامل آسیب اشاره شده است که در ادامه به آنها پرداخته می‌شود.

در متون نظری در حوزه خانواده، آسیب‌های مربوط به خانواده اصلی تحت عناوینی از جمله عوامل فشارزای افقی در طول حیات خانواده (یانگ و لانگ، ۲۰۰۷)، رخداد‌های تنش‌زا یا گذرهای تحولی (برادبوری، به نقل از رحمت‌اللهی، ۱۳۸۵)، بدکارکردی‌های رشدی (تسنگ و درموت، به نقل از بارکر، ترجمه دهقانی و دهقانی، ۱۳۷۵)، چرخه زندگی خانواده

(کارتر و مک گلدریک، به نقل از گلدنبرگ و گلدنبرگ، ترجمه حسین شاهی و همکاران، ۱۳۸۹)، یا حوزه نقش‌های تحولی (مک مستر، به نقل از رایان و همکاران، ۲۰۰۵) مورد توجه و دقت نظر قرار گرفته‌اند.

براساس نتایج بخش کیفی حاصل از مصاحبه و به طور کلی می‌توان آسیب‌ها را در قالب ۵ مقوله اصلی وابستگی، انتظارات و توقعات، دخالت، بی‌اعتنایی، و رفتارهای منفی و آزارنده قرار داد.

براساس نتایج بخش کمی این پژوهش، اولویت بندی آسیب‌ها عبارت است از: ۱- وابستگی عاطفی؛ ۲- بی‌اعتنایی والدین؛ ۳- انتظارات نابجای والدین؛ ۴- دخالت؛ ۵- انتظارات نابجای فرزند؛ ۶- وابستگی مالی؛ ۷- بی‌اعتنایی فرزند؛ و ۸- رفتارهای منفی و آزارنده فرزند. با توجه به این اولویت بندی، آسیب وابستگی با میانگین ۲۰/۰۹، در اولویت نخست قرار دارد. مسئله وابستگی و عدم تمایز یافتگی در برخی از پژوهش‌ها مورد توجه بوده و تأثیر آن بر رضایت زناشویی مورد بررسی قرار گرفته است که از آن جمله می‌توان به پژوهش‌های علیکی و نظری (۱۳۸۷)، نجفلویی (۱۳۸۵)، اسکرون (۲۰۰۰)، هاوس و مالینکروود (۱۹۹۸)، و ریچارد (۱۹۸۹) اشاره کرد. پژوهش هاوس و مالینکروود (۱۹۹۸) همچنین گویای این مطلب است که وابستگی شوهر به والدینش بیش از وابستگی زن می‌تواند موجب ناسازگاری و اختلاف زناشویی شود، در این پژوهش وابستگی مالی در مردان به شکل معناداری بیشتر از زنان است. پژوهش لارسون و همکاران (۱۹۹۸) نیز نشان داد که پویایی‌های خانواده اصلی مانند در هم تنیدگی یا مثلث سازی می‌تواند تأثیر منفی بر نگرش‌ها و احساسات زناشویی فرزندان و آمادگی آنها برای یک رابطه مهم و صمیمانه داشته باشد؛ پژوهش هافباروا (۱۹۹۹) نشان داد که مردانی که در خانواده اصلی آنها مادر نقش برجسته‌ای در تصمیم‌گیری‌ها داشته است گرایش به این دارند که همسرشان هم سطوحی از تسلط را نشان دهد و در این صورت روابط زوجی مثبت‌تری را تجربه می‌کنند. پژوهش زارعی (۱۳۹۱)، و یوسفی (۱۳۸۹) حاکی از نقش وابستگی عاطفی زوجین و پژوهش بنی‌جمالی و همکاران (۱۳۸۳) نشانگر نقش وابستگی مالی

زوجین در میزان گرایش به طلاق می‌باشد. این نتایج حاکی از اهمیت این آسیب ارتباطی، یعنی وابستگی و عدم تمایز یافتگی است. به نظر می‌رسد که در خصوص وابستگی مالی نباید از تأثیر مسائل اقتصادی و برنامه‌های کلان دولت‌ها در زمینه ایجاد اشتغال و حمایت از قشر جوان در کسب و کار و تحصیل درآمد غافل بود.

وابستگی یکی از زوجین یا هر دو به خانواده‌های اصلی‌شان ممکن است زمینه دخالت آنها را در زندگی زوجین فراهم کند. زمانی که زوجین پایین‌ترین سطح تمایز یافتگی را داشته باشند، به احتمال زیاد سطح بالاتری از دلبستگی و وابستگی را تجربه می‌کنند که این خود می‌تواند عاملی برای بروز ناسازگاری و دخالت اطرافیان باشد (یوسفی، ۱۳۸۹). در میان اولویت‌ها، دخالت والدین در رتبه چهارم قرار دارد که نشان دهنده اهمیت آن است. پژوهش‌های مرتبط با طلاق، اهمیت این آسیب ارتباطی را در تخریب زندگی زناشویی مورد توجه قرار داده‌اند که از آن جمله نتایج پژوهش زرگر و نشاط دوست (۱۳۸۶) نشان داد که یکی از مهم‌ترین علل تقاضای طلاق (سومین عامل)، دخالت خانواده‌ها بوده است. نتایج پژوهش دیگری از قطبی و همکاران (۱۳۸۲) در خصوص بررسی عوامل مؤثر در بروز طلاق نشان داد که پس از عدم تفاهم اخلاقی با ۸۳٪ و اعتیاد با ۴۲٪ میزان تأثیر، دخالت خانواده‌ها با تأثیر ۳۳٪ سومین عامل مهم در بروز طلاق می‌باشد. نتایج پژوهش‌های زارعی (۱۳۹۱)، ریاحی و همکاران (۱۳۸۶)، بنی جمالی و همکاران (۱۳۸۳)، نیز گویای تأثیر دخالت اطرافیان در میزان گرایش به طلاق می‌باشد.

در جوامع سنتی، والدین برای ازدواج فرزندان‌شان تصمیم می‌گرفتند و غالباً از نفوذ زیادی برخوردار بودند؛ اما همزمان با صنعتی شدن، شهرنشینی، و نوسازی، فرزندان استقلال و کنترل بیشتری به دست آوردند و والدین از اینکه نفوذ خود را بر تصمیمات مربوط به ازدواج فرزندان از دست داده‌اند ناراضی‌اند (چیل، ترجمه لیبی، ۱۳۸۸).

یکی از ویژگی‌های روابط خویشاوندی این است که مبنای توقعات، الزامات و تعهدات واقع می‌شوند (ریبنز مک کارتی و ادواردز، ترجمه لیبی، ۱۳۹۰). نقش‌های فرهنگی می‌تواند

در شکل‌گیری توقعات و انتظارات متقابل نقش بسیار مهمی را ایفا کند. لویی روسل (به نقل از سازمان ملی جوانان، ۱۳۸۷) طی مطالعات خویش دربارهٔ مناسبات والدین با افراد جوان متأهل به این نتیجه رسیده است که هم‌گرایی عقاید بین دو نسل ناشی از انتقال عقاید خاص والد به فرزند و تا حدودی ناشی از پذیرش این واقعیت از طرف والدین است که باید موقعیت‌هایی را که خود در زمان جوانی از آن بی‌بهره بوده‌اند، بپذیرند.

در این پژوهش نیز انتظارات و توقعات نابجا مقولهٔ دیگری در میان آسیب‌هاست که در اولویت‌های نخست قرار دارد و نشان‌دهندهٔ اهمیت آن می‌باشد. این آسیب به همراه بی‌اعتنایی، از طرف والدین بیشتر اعمال می‌گردد.

یکی دیگر از موارد آسیب‌زا که در این پژوهش به آن پرداخته شد رفتارهای منفی و آزارنده است، که در برخی پژوهش‌ها به آن اشاره شده است؛ از جمله نتایج پژوهش برتونی و بودمن (۲۰۰۹) نشان داد که زوجین راضی روابط بهتری با خانوادهٔ اصلی داشتند؛ همچنین پژوهش هافاروا (۱۹۹۹) نشان داد که رضایت مردان در رابطهٔ زوجی در صورت داشتن رابطهٔ مثبت با پدر افزایش می‌یابد. البته در این پژوهش این آسیب با میانگین ۸/۸۴ در اولویت آخر قرار دارد و خوشبختانه در مقایسه با سایر آسیب‌ها از اهمیت کمتری برخوردار است. این مسئله می‌تواند ناشی از باورهای مذهبی و فرهنگی نمونهٔ پژوهش در خصوص لزوم احسان و نیکی به والدین باشد.

آسیب‌های ارتباطی همواره یکی از چالش‌ها و رخدادهای تنش‌زا در زندگی افراد است که به شدت متأثر از فرهنگ و مذهب هر جامعه می‌باشد. چه بسا در برخی از کشورهای غربی که رابطهٔ افراد با خانوادهٔ پدری خود بعد از سن خاصی به طور کامل یا نسبی قطع می‌شود، مقولهٔ وابستگی به عنوان یک آسیب فاقد موضوعیت باشد یا برعکس در جوامع جمع‌گرا و خانواده‌محور آسیب‌هایی مثل بی‌اعتنایی و رفتارهای منفی فرزند از فراوانی و اهمیت کمتری برخوردار باشند. بنابراین لازم است در مورد این آسیب‌ها و مهارت‌های مرتبط به تفاوت‌های فرهنگی و مذهبی توجه شود.

امید است که با انجام اقدامات پژوهشی و علمی سازمان یافته و معتبر در این حوزه و استفاده از نتایج آنها، ازدواج نه تنها شروع یک دوران تنش زا در خصوص ارتباط با خانواده اصلی و مقابله با آسیب‌های آن نباشد، بلکه آغاز ارتباطی ثمربخش توأم با استقلال و صمیمیت و بهره مندی از تجربیات و حمایت‌های آنان باشد.

منابع فارسی

- استریت، ا. (۱۳۸۹). مشاوره خانواده (نظر و عمل در نگرش سیستمی). ترجمه مصطفی تبریزی و علی علوی نیا. تهران: فرا روان. (انتشار به زبان اصلی، ۱۹۹۴).
- افقری، ف. (۱۳۹۱). تدوین و استاندارد سازی بسته آموزشی بومی مهارت‌های ارتباط زوجین با خانواده اصلی بر مبنای آسیب شناسی تعاملی در خانواده‌های شهر اصفهان. پایان نامه‌ی کارشناسی ارشد مشاوره خانواده، دانشگاه اصفهان.
- ایمانی، م. (۱۳۸۸). ارتباط با خانواده همسر. اصفهان: حدیث راه عشق.
- بارکر، ف. (۱۳۷۵). خانواده درمانی پایه. ترجمه محسن دهقانی و زهره دهقانی. تهران: رشد. (انتشار به زبان اصلی، ۱۹۸۶).
- برناردز، ج. (۱۳۸۸). درآمدی به مطالعات خانواده. ترجمه حسین قاضیان. تهران: نشر نی. (انتشار به زبان اصلی، ۱۹۹۷).
- بستان، ح. (۱۳۸۳). اسلام و جامعه‌شناسی خانواده. قم: پژوهشکده حوزه و دانشگاه.
- بنی جمالی، ش؛ نفیسی، غ و یزدی، م. (۱۳۸۳). ریشه یابی علل از هم پاشیدگی خانواده‌ها در رابطه با ویژگی‌های روانی- اجتماعی دختران و پسران قبل از ازدواج. مجله علوم تربیتی و روان‌شناسی دانشگاه شهید چمران اهواز. ۱ و ۲. ۱۷۰-۱۴۳.
- پروچاسکا، ج و نورکراس، ج. (۱۳۸۷). نظام‌های روان درمانی. ترجمه یحیی سید محمدی. تهران: روان. (انتشار به زبان اصلی، ۲۰۰۷).

تبریزی، م؛ دیبائیان، ش؛ کاردانی، م و جعفری، ف. (۱۳۸۵). فرهنگ توصیفی خانواده و خانواده درمانی. تهران: فرا روان.

ثنایی، ب. (۱۳۸۷). مقیاس‌های سنجش خانواده و ازدواج. تهران: بعثت.

ثنایی، ب. (۱۳۷۸). نقش خانواده‌های اصلی در ازدواج فرزندان. تازه‌ها و پژوهش‌های مشاوره، ۲، ۴۶-۲۱.

جانسون، س و ویفن، و. (۱۳۸۸). فرآیندهای دلبستگی در زوج درمانی و خانواده درمانی. ترجمه فاطمه بهرامی و همکاران. تهران: دائره. (انتشار به زبان اصلی، ۲۰۰۳).

چیل، د. (۱۳۸۸). خانواده‌ها در دنیای امروز. ترجمه محمد مهدی لیبی. تهران: نقد افکار. (انتشار به زبان اصلی، ۲۰۰۸).

حسینی بیرجندی، م. (۱۳۹۰). مشاوره و روان درمانی خانواده با رویکرد فرهنگ ایرانی. تهران: آوای نور.

حسینی بیرجندی، م. (۱۳۹۰). نظریه‌ها و فنون خانواده درمانی. تهران: رشد.

حسینی، ف و ثنایی، ب. (۱۳۸۴). مقایسه‌ی تعارض زناشویی والدین با تعارض زناشویی فرزندان همسر دار آنان. اندیشه‌های نوین تربیتی، ۴، ۹۶-۷۹.

حسینیان، س؛ حسینی، ف؛ شفیعی نیا، ا و قاسم‌زاده نساجی، س. (۱۳۸۷). رابطه‌ی آشفستگی زناشویی مادران با زندگی فرزندان همسر دار آنان. مطالعات زنان، ۳، ۱۰۳-۸۱.

حسینیان، س؛ یزدی، م و جاسبی، م. (۱۳۸۶). رابطه‌ی بین سطح سلامت خانواده‌ی اصلی و رضایت زناشویی زنان دبیر آموزش و پرورش شهرستان کرج. مجله‌ی پژوهش‌های تربیتی و روانشناختی دانشگاه اصفهان، ش. ۱، ۶۳-۷۶.

رحمت‌اللهی، ف. (۱۳۸۵). آسیب‌شناسی زندگی زناشویی در شهر اصفهان و ارائه مدلی جهت آسیب‌شناسی زندگی زوجین. پایان‌نامه‌ی کارشناسی ارشد مشاوره‌ی خانواده، دانشگاه اصفهان.

- رسولی، م؛ نوایی نژاد، ش و ثنایی، ب. (۱۳۸۷). رابطه‌ی بین الگوهای ارتباط زوج‌های دانشجو و الگوهای ارتباط والدین آنها. *تحقیقات زنان*، ۴، ۱۰۰-۸۳.
- ریاحی، م؛ علیوردی، ا و بهرامی کاکاوند، س. (۱۳۸۶). تحلیل جامعه‌شناختی میزان گرایش به طلاق (مطالعه‌ی موردی شهرستان کرمانشاه). *پژوهش زنان*، ۳، ۱۴۰-۱۰۹.
- رینیز مک کارتی، ج و ادواردز، ر. (۱۳۹۰). *مفاهیم کلیدی در مطالعات خانواده*. ترجمه محمد مهدی لیبی. تهران: علم. (انتشار به زبان اصلی، ۲۰۱۰).
- زارعی محمودآبادی، ح. (۱۳۹۱). *بررسی عوامل پیش‌بینی‌کننده‌ی میل به طلاق، تدوین مدل مداخله‌ای بومی و اثربخشی آن بر میل و خودکارآمدی مدیریت طلاق در زوجین متقاضی طلاق شهر یزد*. پایان‌نامه‌ی دکترای مشاوره‌ی خانواده، دانشگاه اصفهان.
- زرگر، ف و نشاط دوست، ح. (۱۳۸۶). *بررسی عوامل مؤثر در بروز طلاق در شهرستان فلاورجان*. *خانواده پژوهی*، ۱۱، ۷۴۹-۷۳۷.
- زهراکار، ک و جعفری، ف. (۱۳۸۹). *مشاوره خانواده (مفاهیم، تاریخچه، فرآیند و نظریه‌ها)*. تهران: ارسباران.
- سازمان ملی جوانان، معاونت مطالعات و تحقیقات. (۱۳۸۷). *جوانان، روابط خانوادگی و نسلی*. تهران: سازمان ملی جوانان.
- سالاری فر، م. (۱۳۸۴). *خانواده در نگرش اسلام و روان‌شناسی*. تهران: سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی در دانشگاه‌ها (سمت)؛ قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
- ستیر، و. (۱۳۷۰). *آدم‌سازی*. ترجمه بهروز بیرشک. تهران: رشد. (انتشار به زبان اصلی، ۱۹۹۸).
- شفیع آبادی، ع و ناصری، غ. (۱۳۸۶). *نظریه‌های مشاوره و روان‌درمانی*. تهران: مرکز نشر دانشگاهی.
- شولتز، د و شولتز، س. (۱۳۸۸). *نظریه‌های شخصیت*. ترجمه یحیی سید محمدی. تهران: ویرایش. (انتشار به زبان اصلی، ۲۰۰۵).

علیکی، م و نظری، ع. (۱۳۸۷). بررسی رابطه‌ی بین تمایز یافتگی و رضایت زناشویی. تازه‌ها و پژوهش‌های مشاوره، ۲۶، ۲۴-۷.

عیدی، ر و خانجانی، ز. (۱۳۸۵). بررسی رضایت زناشویی در سبک‌های مختلف دلبستگی. فصلنامه علمی-پژوهشی روان‌شناسی دانشگاه تبریز. ۲ و ۳، ۲۰۱-۱۷۵.

فاتحی‌زاده، م؛ بهجتی اردکانی، ف و نصر اصفهانی، ا. (۱۳۸۴). بررسی تأثیر عوامل خانوادگی در پایین بودن آمار طلاق در شهرهای یزد، اردکان و میبد. مطالعات تربیتی و روان‌شناسی. ۶، ۱۳۶-۱۱۷.

فلاحی سیجانی، ف. (۱۳۸۷). بررسی تأثیر آموزش مهارت‌های هیجانی بر فضای هیجانی و کارآمدی خانواده زوجین شهر اصفهان. پایان نامه کارشناسی ارشد مشاوره‌ی خانواده، دانشگاه اصفهان.

قطبی، م؛ هلاکویی نایینی، ک؛ جزایری، ا و رحیمی، ع. (۱۳۸۲). وضعیت طلاق و برخی عوامل مؤثر بر آن در افراد مطلقه ساکن در منطقه دولت آباد. رفاه اجتماعی، ۱۲، ۲۸۸-۲۷۳. کونولی، ک و کونولی، ج. (۱۳۹۰). خانواده درمانی مثبت نگر. ترجمه فرشاد بهاری. تهران: علم. (انتشار به زبان اصلی، ۲۰۰۹).

گلادینگ، س. (۱۳۸۲). خانواده درمانی "تاریخچه، نظریه و کاربرد". ترجمه فرشاد بهاری و دیگران. تهران: تزکیه. (انتشار به زبان اصلی، ۲۰۰۲).

گلدنبرگ، ا و گلدنبرگ، ه. (۱۳۸۹). خانواده درمانی. ترجمه حمید رضا حسین‌شاهی برواتی، سیامک نقشبندی و الهام ارجمند. تهران: روان. (انتشار به زبان اصلی، ۲۰۰۰).

مک گلدریک، م؛ گرسن، ر و شلن برگر، س. (۱۳۸۹). ژنوگرام: سنجش و مداخله در مشاوره ازدواج و خانواده درمانی. ترجمه فرشاد بهاری. تهران: دانژه. (انتشار به زبان اصلی، ۱۹۹۹).

موسوی، ا. (۱۳۸۲). خانواده درمانی کاربردی با رویکرد سیستمی. تهران: انتشارات دانشگاه الزهرا.

- میرمحمدصادقی، م. (۱۳۸۹). ازدواج (آموزش پیش از ازدواج). اصفهان: پیام دانش: سازمان بهزیستی، معاونت امور فرهنگی و پیشگیری.
- میرزایی، ا؛ واقعی، س و کوشان، م. (۱۳۸۹). تأثیر آموزش مهارت‌های ارتباطی بر میزان استرس ادراک شده در دانشجویان رشته‌ی پرستاری. *مجله‌ی دانشگاه علوم پزشکی و خدمات بهداشتی درمانی سبزوار*. ۲. ۸۸-۹۵.
- مینوچین، س. (۱۳۸۱). *خانواده و خانواده درمانی*. ترجمه باقر ثنائی. تهران: امیر کبیر. (انتشار به زبان اصلی، ۱۹۷۷).
- نجفلویی، ف. (۱۳۸۵). نقش تمایز خود در روابط زناشویی. *اندیشه‌های نوین تربیتی*، ۳ و ۴، ۲۷-۳۷.
- نیکولز، م و شوارتز، ر. (۱۳۸۷). *خانواده درمانی «مفاهیم و روش‌ها»*. ترجمه محسن دهقانی و دیگران. تهران: دانژه. (انتشار به زبان اصلی، ۲۰۰۵).
- هاروی، م. (۱۳۸۸). *کتاب جامع زوج درمانی*. ترجمه خدابخش احمدی، زهرا اخوی، و علی اکبر رحیمی. تهران: دانژه. (انتشار به زبان اصلی، ۲۰۰۵).
- یوسفی، ن. (۱۳۸۹). *مقایسه‌ی اثربخشی دو رویکرد خانواده درمانی مبتنی بر طرحواره درمانی و نظام عاطفی بوئن بر طرحواره‌های ناسازگار اولیه، تفکیک خویشتن، سبک‌های دلبستگی، و میل به طلاق در مراجعان متقاضی طلاق شهر سقز*. پایان نامه‌ی دکترای مشاوره‌ی خانواده، دانشگاه اصفهان.

منابع لاتین

- Amato, P. R., & Booth, A. (2001). The legacy of parents' marital discord: consequences for children's marital quality. *Journal of Personality and Society Psychology*. 81 (4). 627-38 .
- Andrews, J. A., Foster, S. L., Capaldi, D., & Hops, H. (2000). Adolescent and family predictors of physical aggression, communication, and satisfaction in

- young adult couples: a prospective analysis. *Journal of Consulting and Clinical Psychology*. 68 (2). 195-208 .
- Bertoni, A., & Bodenmann, G. (2009). Satisfied and dissatisfied couples: positive and negative dimensions, conflict styles, and relationships with family-of-origin. *European psychologist*. 15 (3). 175-184 .
- Brunsson, N., Rasche, A., & Seidl, D. (2012). The dynamics of standardization: three perspectives on standards in organization studies. *Organization studies*. 33 (5-6). 613-632 .
- Conger, R. D., Cuim Bryant, C. M., & Elde, G. H. (2000). Competence in early adult romantic relationships: a developmental perspective on family influences. *Journal of Personality and Society Psychology*. 79 (2). 224-37 .
- Dinero, R. E., Conger, R. D., Shaver, P. R., & Widaman, K. (2008). Influence of family of origin and adult romantic partners on romantic attachment security. *Journal of family psychology*. 22 (4). 622-632 .
- Flouri, E., & Buchanan, A. (2002). What predicts good relationships with parents in adolescence and partners in adult life: findings from the 1958 British birth cohort. *Journal of family psychology*. 16 (2). 186-198 .
- Hall, S. S. (2003). *Associations among family-of-origin, dating patterns, and single adults' conceptualizations of marriage*. Pudrue university .
- Haws, W., & Mallinckrodt, B. (1998). Separation-individuation from family-of-origin and marital adjustment of recently married couples. *The American journal of family therapy*. 26 (4). 293-306 .
- Hofbauerova, B. (1999). Relations in primary family and their influence on the partnership formation. *Ceskoslovenska psychologie*. 43 (3). 216-230 .
- Larson, J. H., Benson, M. J., Wilson, S. M., & Nilufer, M. (1998). Family of origin influences on marital attitudes and readiness for marriage in late adolescents. *Journal of family issues*. 19. 750-768 .
- Le Poire, B. A. (2006). *Family communication*. Sage publication .
- Levy, S. Y., Wamboldt, F. S., & Fiese, B. H. (1997). Family-of-origin experiences and conflict resolution behaviors of young adult dating couples. *Family Process*. 36 (3). 297-310 .
- Long, L., & Young, M. (2007). *Counseling and therapy for couples*. USA: ThomsonBook/Cole .
- Martinson, V. K. (2005). *How coming to terms with difficulties in the family of origin positively influences adult children,s relationships*. Thesis (Ph. D), Brigham university, department of marriage, family and human development .
- Richard, E. (1989). Self-reports of differentiation of self and marital compatibility as related to family functioning in the third and fourth stages of the family life cycle. *Scholarly inquiry for nursing practice*. 3 (3), 163-178 .

- Ryan, C. E., Epstein, N. B., Keitner, G. I., Miller, I. W., & Bishop, D. S. (2005). *Evaluating and treating families: the Mc Master approach*. New York: Routledge .
- Sabatelli, R. M., & Haring, S. B. (2003). Family-of-origin experiences and adjustment in married couples. *Journal of marriage and family*. 65 (1). 159-169 .
- Scharfe, E., & Bartholomew, K. (1995). Accommodation and Attachment Representations in Young Couples. *Journal of social and personal relationships*. 12 (3). 389- 401 .
- Skowron, E. A. (2000). The role of differentiation of self in marital adjustment. *Journal of counseling psychology*. 47 (2). 229-237 .
- Smith, D. B. (1999). *Intergenerational transmission of courtship violence: a meta-analysis*. Thesis (MA). Faculty of Virginia polytechnic institute & State university .
- Story, L. B., Karney, B. R., Lawrence, E., & Bradbury, T. N. (2004). Interpersonal mediators in the intergenerational transmission of marital dysfunction. *Journal of family psychology*. 18 (3). 519-529 .
- Wkong, M. J., Bartholomew, K., Henderson, A. J., & Trinke, S. J. (2003). Intergenerational transmission of relationship violence. *Journal of family psychology*. 17 (3). 288-301 .
- Whitton, S. W., Waldinger, R. J., Schulz, M. S., Allen, J. P., Crowell, J. A., & Hauser, S. T. (2008). Prospective associations from family-of-origin interactions to adult marital interactions and relationships adjustment. *Journal of family psychology*. 22 (2). 274-286 .